

# کارنامه

## بررسی تحولات بازار کار

برگرفته از : ربع قرن نشیب و فراز :

بررسی تحولات اقتصادی کشور طی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۵۸

ظرف سال‌های ۷۰-۱۳۶۵ که تقریباً همزمان با سال‌های اولیه پس از خاتمه جنگ تحمیلی است، نرخ رشد تقاضای نیروی کار تحت تاثیر سرمایه گذاری های به عمل آمده برای بازسازی خسارت جنگ تحمیلی، فعالیت مجدد صنایع و واحدهای اقتصادی خسارت دیده و در نتیجه رونق اقتصادی به ۳/۵ درصد افزایش یافت و بدلیل فزونی آن بر نرخ رشد عرضه نیروی کار، یعنی ۲/۸ درصد، نرخ بیکاری به ۱۱/۱ درصد کاهش یافت. البته کاهش نرخ مشارکت نیروی کار به ۳۸/۱ درصد نیز به کاهش بیکاری در این دوره کمک کرده است.

۱۰/۲ درصد در ابتدای دوره به رقم ۱۴/۲ درصد در انتهای دوره افزایش یافته است. لازم به ذکر است که کاهش نرخ مشارکت نیروی کار از ۴۲/۶ به ۳۹ درصد، از افزایش بیشتر نرخ بیکاری جلوگیری نموده است. همچنین بررسی بهره وری نیروی کار در این سال‌ها، حاکی از کاهش در شاخص بهره وری نیروی کار از رقم ۱۰۰ در سال ۱۳۵۵ به رقم ۷۱/۱ در سال ۱۳۶۵ می باشد. اگر چه این شاخص در بخش خصوصی روندی افزایشی داشته لیکن در بخش عمومی بویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بدلیل آنکه بسیاری از کارخانه های خصوصی به مالکیت دولت در آمدند، نیروی کار عظیمی جذب این بخش شده و در شاخص بهره وری در بخش عمومی از ۱۰۰ به ۳۰/۴، با تقلیل بسیاری مواجه بوده است.

حوزه بازار کار ایران طی ۲۵ سال اخیر شاهد تحولاتی بنیادین بوده که این تحولات حاصل تعامل دو سمت عرضه و تقاضای نیروی کار می باشد. از آنجا که هر دو سمت عرضه و تقاضای بازار کار بشدت از ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور تاثیر می پذیرند، لذا انتظار هر گونه تحول مثبت در این حوزه که به کاهش نرخ بیکاری بیانجامد، مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای موجود خواهد بود. با این نگاه ویژه، وضعیت بازار کار کشور بر اساس آمار و اطلاعات بدست آمده از دوره های سرشماری، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

دوره ۶۵-۱۳۵۵ که مصادف با وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی است، نرخ رشد اقتصادی منفی بوده است. وجود این شرایط که همراه با رها کردن سیاست های کنترل جمعیت بوده است، موجب شد نرخ رشد جمعیت با رقم ۳/۹ درصد در سال شتاب بسیار زیادی یابد و به بالاترین مقدار خود طی چند دهه اخیر برسد و چنانچه بدان اشاره خواهد شد، با دو دهه تاخیر، اکنون شاهد عواقب هزینه های ماندگار رشد انفجاری جمعیت در این سال‌ها هستیم.

رشد ۲/۳ درصدی تقاضای نیروی کار طی سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ که عمدتاً مربوط به گسترش خدمات عمومی و اجتماعی، بویژه امور دفاعی بوده است، نتوانسته است پاسخگوی نرخ ۲/۷ درصدی عرضه نیروی کار باشد. لذا نرخ بیکاری از رقم

متوسط افزایش سالانه در عرضه و تقاضای نیروی کار طی دوره های مورد بررسی

( هزار نفر )

شرح	دوره ۱۳۵۵-۶۵	دوره ۱۳۶۵-۷۰	دوره ۱۳۷۰-۷۵	دوره ۱۳۷۵-۷۸	دوره ۱۳۷۸-۸۱	دوره ۱۳۷۵-۸۱
متوسط سالانه عرضه جدید نیروی کار	۳۰۲/۴	۳۸۳/۶	۲۵۷/۸	۶۳۳/۰	۶۲۴/۷	۶۲۸/۸
متوسط سالانه اشتغال ایجاد شده ( تقاضای جدید برای نیروی کار )	۲۲۰/۳	۴۱۹/۰	۲۹۵	۲۰۱/۷	۴۴۱/۰	۳۳۱/۳

ماخذ : استخراج شده از جدول شماره (۱) ربع قرن نشیب و فراز : بررسی تحولات اقتصادی کشور طی سال‌های ۸۲-۱۳۵۸

طی دوره ۷۵-۱۳۷۰ به علت کاهش نرخ رشد تولید، نرخ رشد تقاضای نیروی کار نیز به ۲/۲ درصد تنزل یافت. کاهش نرخ های رشد تولید و اشتغال بدلیل قرار گرفتن اقتصاد در شرایط طبیعی است؛ یعنی سال های اولیه پس از خاتمه جنگ تحمیلی و اتمام ظرفیت های بیکار. از این رو ایجاد اشتغال جدید مستلزم انجام سرمایه گذاری کافی و متناسب با آن بود. در این دوره نرخ رشد عرضه نیروی کار تحت تاثیر کاهش نرخ مشارکت (متاثر از گسترش پوشش تحصیلی به ویژه در سطح آموزش عالی)، به رقم ۱/۷ درصد تنزل یافت که عامل مهمی در کاهش نرخ بیکاری به رقم ۹/۱ درصد بشمار می رفت. بر اساس برآوردهای انجام شده در صورت عدم کاهش نرخ مشارکت در این دوره نرخ بیکاری به رقم ۱۵/۸ درصد افزایش می یافت. با توجه به یافته های فوق، طی دوره ۷۵-۱۳۵۵ حوزه بازار کار نه تنها بهبود نیافت، بلکه به علت وخیم تر شدن وضعیت آن، با شکنندگی بسیار زیادی مواجه بوده است.

همچنین ملاحظه عملکرد اقتصاد در زمینه استفاده بهینه از عوامل نیز حاکی از کاهش شاخص بهره وری کل عوامل تولید، طی دوره مزبور می باشد، بگونه ای که پایین بودن این شاخص در سال ۱۳۷۵ به میزان ۱۵ درصد نسبت به سال ۱۳۵۵، بیانگر استفاده بیش از حد لازم از منابع در فرآیند تولید بوده که خود مبین بیکاری پنهان عوامل تولید در اقتصاد می باشد. بررسی سال های پس از ۱۳۷۵ نشان از پدید آمدن یک تغییر و تحول ساختاری در ترکیب جمعیت آماده به کار دارد که در واقع متأثر از نرخ رشد انفجاری جمعیت در دهه ۶۵-۱۳۵۵ می باشد. نتیجه این تغییر ساختار، خود را به صورت شدت افزایش فشار بر سمت عرضه در بازار نیروی کار نمایان می سازد. به طوری که متوسط سالانه عرضه جدید نیروی کار ۶۲۹ هزار نفر (تقریباً دو برابر تقاضای نیروی کار در این دوره) بوده، در حالی که رقم مشابه برای دوره قبلی حدود ۲۵۸ هزار نفر بوده است.

علاوه بر حجم زیاد جمعیت واقع در سن کار، افزایش نرخ مشارکت به دلیل فارغ التحصیل شدن دانشجویان و همچنین افزایش نرخ مشارکت زنان در افزایش فشار عرضه موثر بوده است. روند تغییرات نسبت جمعیت ده ساله و بیشتر به کل جمعیت، حاکی از افزایش حجم جمعیت واقع در سن کار طی سال های مورد بررسی می باشد. همچنین ملاحظه می گردد که نرخ مشارکت زنان از رقم ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به رقم ۱۱/۸ درصد در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. در طرف تقاضای نیروی کار، بدیل کاهش قیمت نفت و کاهش نرخ رشد اقتصادی در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷، متوسط سالانه فرصت های شغلی ایجاد شده طی سال های ۷۸-۱۳۷۵ نسبت به دوره قبل کاهش یافته و به حدود ۲۰۲ هزار نفر رسیده است. البته با افزایش قیمت نفت، این رقم طی سال های ۸۱-۱۳۷۸ به بیش از دو برابر افزایش یافته و به رقم ۴۴۱ هزار نفر رسید.

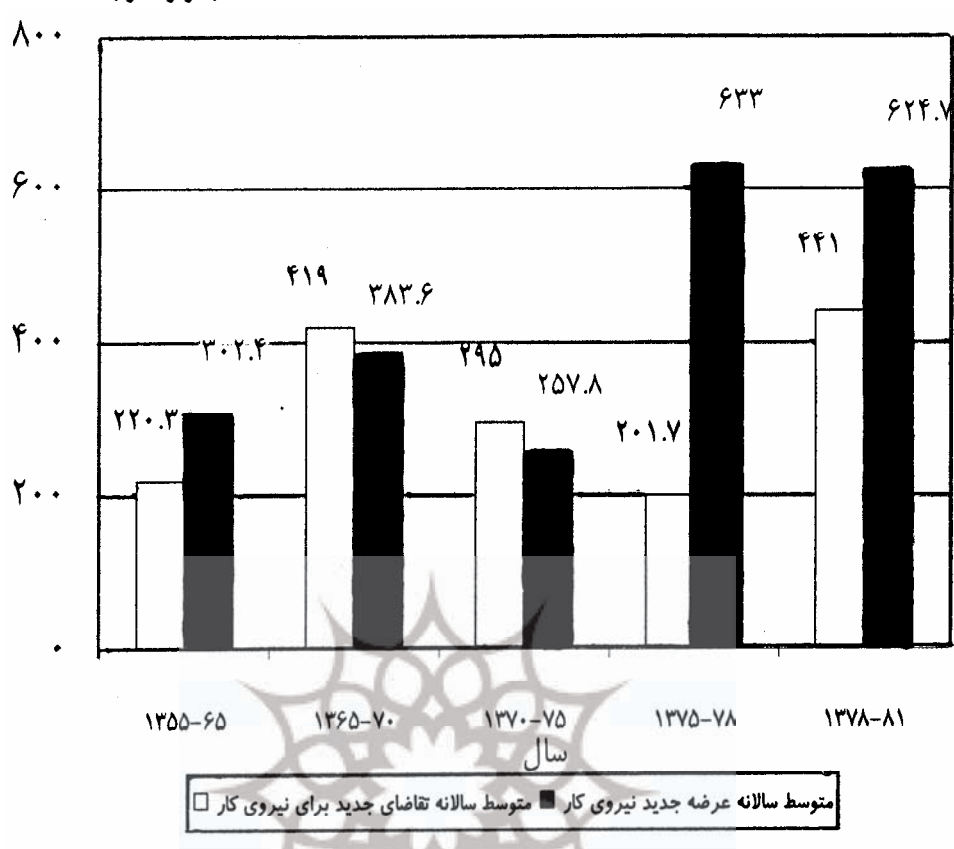
برخی شاخص های نیروی انسانی طی سال های ۸۱-۱۳۵۵

(هزار نفر - درصد)

شرح	۱۳۵۵	۱۳۶۵	نرخ رشد متوسط سالانه ۱۳۵۵-۶۵	۱۳۷۰	نرخ رشد متوسط سالانه ۱۳۶۵-۷۰	۱۳۷۵	نرخ رشد متوسط سالانه ۱۳۷۰-۷۵	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
جمعیت	۳۳۷۰۹	۴۹۴۴۵	۳/۹	۵۵۸۳۷	۲/۵	۶۰۰۵۵	۱/۵	۶۲۸۰۰	۶۳۹۰۰	۶۴۹۰۰	۶۶۰۰۰
جمعیت ده ساله و بیشتر	۲۳۰۰۲	۳۲۸۱۴	۳/۶	۳۸۶۵۵	۳/۲	۴۵۴۰۱	۳/۳	۵۰۳۶۶	۵۱۴۰۰	۵۲۵۰۰	۵۳۴۰۰
نسبت جمعیت ده ساله و بیشتر به کل جمعیت	۶۸/۲	۶۶/۵	-	۶۹/۲	-	۷۵/۲	-	۸۰/۲	۸۰/۴	۸۰/۹	۸۰/۹
جمعیت فعال (عرضه نیروی کار)	۹۷۹۶	۱۲۸۲۰	۲/۷	۱۴۷۳۸	۲/۸	۱۶۰۲۷	۱/۷	۱۷۹۲۶	۱۸۶۰۳	۱۹۱۰۰	۱۹۸۰۰
نرخ مشارکت مردان	۷۰/۸	۶۸/۴	-	۶۵/۵	-	۶۰/۸	-	۶۱/۹	۶۱/۷	۶۱/۴	۶۱/۸
نرخ مشارکت زنان	۱۲/۹	۸/۲	-	۸/۷	-	۹/۱	-	۹/۸	۱۰/۲	۱۱/۲	۱۱/۸
جمعیت شاغل (تقاضای نیروی کار)	۸۷۹۹	۱۱۰۰۲	۲/۳	۱۳۰۹۷	۲/۵	۱۴۵۷۲	۲/۲	۱۵۱۷۷	۱۵۵۷۶	۱۶۰۰۰	۱۶۵۰۰
جمعیت بیکار	۹۹۷	۱۸۱۹	۶/۲	۱۶۴۰	-۲/۱	۱۴۵۶	-۲/۴	۲۹۰۰	۳۱۰۰	۳۲۰۰	۳۳۰۰
نرخ بیکاری	۱۰/۲	۱۴/۲	-	۱۱/۱	-	۹/۱	-	۱۶/۳	۱۶/۵	۱۶/۶	-

ماخذ: ۱- برای سال های ۷۵-۱۳۵۵: مرکز آمار ایران - سالنامه های آماری سال های مختلف  
 ۲- برای سال های ۸۱-۱۳۷۸: برآوردهای دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

روند متوسط تقاضا و عرضه جدید نیروی کار طی دوره های سرشماری (هزار نفر)



خصوصی و کاهش هزینه های مبادله و تولید قرار دارد. البته در این راستا دولت همزمان با اتخاذ راهکارهای بلند مدتی نظیر تعدیل ساختار مالیاتی کشور، اصلاح برخی قوانین مربوط به بازار کار، قوانین مربوط به پول شویی، لایحه تجمیع عوارض، اصلاح قانون جذب سرمایه گذاری خارجی و قانون جامع بازار سرمایه، اقدام به راهکارهای کوتاه مدتی همچون طرح ضربتی اشتغال نموده است.

بنابراین ملاحظات، ضرورت دارد که به راهکارهای کوتاه مدتی نظیر استفاده کامل از ظرفیت های موجود (نظیر سیاست های کاهش هزینه های استفاده از نیروی کار) و ایجاد فعالیت های اشتغالزای دارای توجیه اقتصادی توجه بیشتری شود. در مقابل در خصوص راهکارهای میان مدت و بلند مدت، با توجه به آن که برای ایجاد فرصت های شغلی جدید و تثبیت فرصت های شغلی، اعتبارات به تنهایی قادر به حل معضل بیکاری نمی باشد لذا می بایست این راهکارها معطوف به اقدامات اساسی برای رفع موانع سرمایه گذاری و تولید درجهت گسترش ظرفیت های تولیدی موجود و ایجاد فعالیت های جدید باشد که در مرکز ثقل آن، ایجاد فضای مناسب برای سرمایه گذاری

در نتیجه فشار زیاد عرضه نیروی کار طی این سالها، میزان عدم تعادل در بازار کار بویژه بازار کار جوانان، زنان، فارغ التحصیلان و همچنین در برخی استانها تشدید شد و نرخ بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۶/۶ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافت. بر اساس بررسی های به عمل آمده، بازار کار ایران به دلیل بروز تغییرات ساختاری ناشی از تحولات جمعیتی، بسیار شکننده و در وضعیت نگران کننده ای قرار دارد و بنا به دلایلی نظیر وجود اشتغال ناقص، بیکاری پنهان گسترده، پدیده چند شغلی و پرکاری و روند رو به رشد نرخ مشارکت نیروی کار (بویژه زنان)، چشم انداز مثبتی برای کاهش فشار عرضه نیروی کار و به دنبال آن کاهش بیکاری متصور نیست.